

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال چهارم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۹۳، صفحات ۷۷-۱۰۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۱/۱

زمینه‌های ناتوانی ایران صفوی در برخورد با «امامان یعاربه» عمان در خلیج فارس (سده ۱۲ هجری)

محمد جعفر چمنکار^۱

چکیده

توسعه قدرت گروه‌های اباضی مذهب در جنوب خلیج فارس و دریای عمان و چالش و تجاوزات آنان به جزایر و بنادر ایران، یکی از رخداد‌های مشخص و تأثیرگذار عصر صفوی به ویژه در اواخر این دوران می‌باشد. در زمان حکومت شاه عباس دوم جنبش ضد استعماری مردم عمان به استیلائی یکصدوپنجاه استعمار پرتغال پایان داد و سلسله نو بنیاد آل یعاربه در سایه قدرت دریایی و ضعف مفرط دولت‌های مرکزی، حملات و تجاوزات خود را به سواحل و جزایر و بنادر ایران تشدید نمودند. بدین ترتیب تقابلات دو کشور بر تعاملات و پیوندهای پیشین سایه انداخت. بررسی چگونگی فرایند قدرت‌گیری امامان خارجی در عمانات و ضعف و ناکارآمدی اقدامات دستگاه حاکمه ایران در برخورد با آنان در منطقه خلیج فارس و دریای عمان، هدف اصلی این پژوهش می‌باشد.

کلیدواژه: ایران، اباضیه، خلیج فارس، چالش، ناکارآمدی، قرن ۱۲ هجری.

***Malfunctional and couses of safavid Iran dealing with the
yarbh Imam of Oman in the Persian Gulf
(12th century AD)***

M. J. Chamankar¹

Abstract

Abazy Imams of Oman with religious conflicts, the formation of a government of national oriented symmetrically to begin their assault on the northern half of the Persian Gulf under Iranian sovereignty and Jane particular its subsidiaries were rulers of Hormuz and political ties. One of the certain and inflectual happening of safavid era cspicialing at the end of this periods is the development of Abazy religious groups in the southern Persian gulf and their violations to Iranian Islands and ports. The portugees governments was finalized by the anti-colonial movement of Oman people in II Shah Abass era. So, the new- foandaion of All-Yaarebeh, was intensified their attacks and violations toward Iranian ports, Islamd, and beaches. The survey about the power of forigner Imans in Oman and Weakness and ineffiency in Iranian rulers in contact with them in Persian Gulf area and Oman sea are the main goals of this research.

Keyword: IRAN, Abazyh, Persian Gulf, challenge, inefficientieng, 12 Centary.

1- Assistant professor of history, Urmia University. southstar_boy@yahoo.com

مقدمه

روابط و پیوندهای تاریخی ایران و عمان به سده‌های پیش از میلاد باز می‌گردد. با سقوط ساسانیان و انتشار اسلام، پیوندهای دو جانبه رو به گسستگی نهاد اما با ظهور حکومت‌های متقارن ملی‌گرا، عمان همچنان در دایره توجهات و علایق سیاسی و نظامی و اقتصادی سلاطین ایران، جایگاه ویژه خود را حفظ نمود. در زمان حکومت شاه عباس دوم جنبش ضد استعماری مردم عمان به استیلا ی یکصدوپنجاه استعمار پرتغال پایان داد و سلسله نو بنیاد آل یعربه در سایه قدرت دریایی و ضعف مفرط دولت‌های مرکزی، حملات و تجاوزات خود را به سواحل و جزایر و بنادر ایران تشدید نمودند. بدین ترتیب تقابلات دو کشور بر تعاملات و پیوندهای پیشین سایه انداخت. در این پژوهش سعی شده با تکیه بر منابع دست اول با اشاره به چگونگی پیدایش مذهب اباضیه و روند توسعه آن، به این سؤال پاسخ داده شود: علل ضعف مفرط و ناکارآمدی سیاست‌های دولت صفویه در برخورد با گروه‌های اباضی مذهب عمان و مسقط در منطقه خلیج فارس و دریای عمان چه بوده است؟ در فرجام نگارنده نتیجه می‌گیرد که مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی داخلی و خارجی به صورت مکمل و زنجیروار، این فرآیند مضمحل کننده را موجب گردیدند.

۱- گسترش مذهب اباضیه در عمان

عمان (سلطنت عمان کنونی) با احتساب سرزمین متصالح (فجیره، رأس‌الخیمه و سایر نواحی امارت متحده عربی فعلی)، یمامه و بحرین در تقسیمات پنج‌گانه سنتی جغرافیایی شبه جزیره عربستان، در بخش عروض قرار داشتند (شهیدی، ۱۳۶۷: ۴؛ سالم، ۱۳۸۰: ۵۱). مردمان عمان و سرزمین‌های متصالح، عمدتاً به گروه‌های نژادی و عشیره‌ای قحطانی، نزاری، غفیری (اعراب شمالی) و حناوی (اعراب جنوبی) تعلق داشتند (ضیف، ۱۹۶۰: ۲۹-۲۶). سرزمین عمان از نخستین مناطقی بود که در زمان حیات پیامبر (ص)، اسلام را پذیرا شدند (چمنکار، ۱۳۸۳: ۳۰). با پیروزی حضرت علی در نبرد نهروان (۹ صفر ۵۳۸)، خوارج به رهبری عبدالله بن فدیك، به عمان گریخته و به علت دور افتاده بودن، آن را پایگاه خود قرار

دادند. به تدریج با گرایش مردم عمان، شاخه‌ای از خوارج به نام فرقه اباضیه در این سرزمین توسعه یافت. ابو بلال مرداس بن ادیه تمیمی از رهبران نخستین این فرقه در سال ۶۲ ه در جریان یک شورش علیه حکومت اسلامی کشته شد و پس از آن عبدالله بن اباض با کنارگیری از صفوف خوارج افراطی چون ارازقه به ریاست این گروه منصوب گردید و نام فرقه مذکور بر گرفته از نام او می‌باشد (عمر فوزی، ۱۹۷۷: ۱۷۲). وجه تمایز این گروه از دیگر خوارج آن بود که به مخالفان خود چندان سخت نمی‌گرفتند. بر این اساس بسیاری از افکار سنتی خوارج چون مباح دانستن قتل عناصر غیر خارجی منسوخ گردید (چمنکار، ۱۳۸۳: ۲۶؛ eickerlman, 1980: pp163-172) به دنبال سقوط امویان، نفوذ اباضی مذهبان گسترش یافت و شورش‌هایی در حضر موت و عمان آغاز گردید و در این دوران تلاش‌هایی برای خروج پیروان این فرقه از مرحله کتمان و گذر به دوره ظهور صورت گرفت. عمان تا سال ۷۳ه روابط تنگاتنگی با خوارج عربستان داشت اما در پایان قرن اول هجری، نهضت خوارج در عمان رنگ اباضی به خود گرفت. شیوخ اباضی بصره طی دوران حکومت محمد بن عفان یکی از رهبران عمده خود، به منطقه عمان کوچ نمودند. مهاجرت جابر بن زید از فقهای برجسته اباضی بصره به عمان، نقش مهمی در گسترش این فرقه در این سرزمین داشت (مشکور، ۱۳۷۲: ۶). بر این اساس، ائمه خارجی اباضی تا سال ۵۴۹ه/ ۱۱۵۴م بر عمان حکومت نمودند. در این زمان سلسله بنو نبهان با کنار زدن امامان اباضی، سلسله پادشاهی را پایه‌ریزی کردند، اما در سال ۵۸۳۲ه/ ۱۴۲۸م قدرت به آنان بازگشت (Wilkinson, 2011: pp3-11). به استثنای حکومت ۲۶۰ ساله طایفه بنو نبهان، امامان اباضی عمان غالباً در بخش عمان داخلی سکونت داشتند (ویلسون، ۱۳۴۸: ۹۲؛ Wilkinson, 1972: pp 67-88). مهمترین جماعت‌های اباضی در شهرهای صحار، توام، باطنه و رستاق زندگی می‌کردند و مرکز حکومتی آنها شهر نزوی (نزوه) بود (مشکور، ۱۳۷۲: ۶؛ یارشاطر، ۱۳۵۵: ۳۰۲) در دوره ظهور و اعلان عمومی قیام، امام اباضی یا پیشوای آنان از طریق شورایی از اشخاص و شیوخ مهم که به طور خصوصی تشکیل جلسه می‌دادند و یادگاری از دوران خلفای راشدین بود، انتخاب می‌گردید و سپس به مردم ابلاغ می‌گشت (دکمجیان، ۱۳۷۲: ۲۳۵؛ معمر، ۱۳۷۰: ۶۶؛ bierschenk, 1988: pp127-107).

۲- شکل‌گیری دولت یعاریه

در سال ۱۰۳۴ هـ / ۱۶۲۴ م دولت یعاریه به ریاست امام ناصر بن مرشد الیعربی تأسیس گردید (عبیدی، ۱۴۰۱: ۶۶-۶۲). او با هدف مبارزه با عناصر پرتغالی که بر شهرهای مختلف عمان استیلا داشتند، ضمن اتحاد طوایف مختلف به تأسیس یک نیروی دریایی پرداخت و در مدت اندکی تعدادی از شهرهای ساحلی عمان از جمله جلفار، دبا، صحار، مسقط، قریات و صور را آزاد نمود (شهاب و الرمجدی، ۱۴۱۴: ۳۲؛ محمد مرسی، ۱۴۱۴: ۱۲). او از سوی گروه کثیری از علمای اباضی در نواحی سمائل، رستاق، ظاهریه، مسقط، صحار، جلفار، صور، قریات و خربت پشتیبانی می‌گردید (السالمی، ۱۹۳۴، جزء اول: ۳۴۹). خمیس بن سعید الشقصی (۱۰۹۰-۱۰۵۹) صاحب کتاب منهج الطالبین و بلاغ الراغبین یکی از این افراد بود. وی با ازدواج با مادر بیوه ناصر بن مرشد، به نوعی پدر خوانده او نیز محسوب می‌گردید (العبدانی، ۱۹۸۴: ۲۰۴). پس از مرگ او در سال ۱۶۴۹/۱۰۵۹ م، امام سیف بن سلطان الیعربی نبرد با پرتغالیان را ادامه داد و در سال ۱۶۴۹ م بر مسقط استیلا یافت. با آزادی مسقط، سایر پایگاه‌های پرتغالیان سرنگون گردید و سرانجام در ۲۰ محرم سال ۱۰۶۰ هـ / ۲۲ ژانویه ۱۶۵۰ م به فرمانروایی ۱۵۰ ساله آنان بر عمان پایان داده شد. یعاریه عمان پس از این فتوحات، ضمن تعقیب عناصر پرتغالی، سواحل هند، ساحل شرق آفریقا و اقیانوس هند را مورد حمله قرار داده و پس از تسخیر مومباسا در سال ۱۱۱۰ هـ / ۱۴ دسامبر ۱۶۹۸ م که پس از حدود ۳۳ ماه محاصره قلعه پرتغالی‌ها بنام یسوع کبیر انجام گرفت (محمد مرسی، ۱۴۱۴: ۱۲)، در کرانه‌های جنوبی آفریقا پیشروی نموده و در آغاز قرن ۱۲ هـ / ۱۸ م، قلمرو خود را از دماغه کومورین تا دریای سرخ و از بحرین تا جزایر کوریا موریا گسترش دادند و حتی بر بخش‌هایی از نیمه شمالی خلیج فارس و بندر عباس نیز تسلط یافتند (شوقی، ۱۴۰۸: ۱۵، ۳۵، ۴۴). در نتیجه این فتوحات نیروی دریایی نظامی و اقتصادی نیرومندی تأسیس گشت و به منظور تحکیم مناطق متصرفی به ویژه در سرزمین اصلی عمان، قلاع و دژهای مستحکم نزوی، الحزم، حصن جبرین، میرانی و جلالی شکل گرفت و توانمندی تجارت دریایی امامان عمان گسترش فراوانی یافت (caseyvine, 1995: p 45; bhacker, 2002: pp 3-8). پس از او بلعرب بن سلطان الیعربی (۱۶۸۰-۱۶۹۰) به امامت منصوب شد. مرکز اصلی

حکومت او در نزوی و قلعه جبرین در ناحیه بهلا بود. با آنکه در ابتدا وی از حمایت علمای دینی از جمله شیخ خلف بن سنان برخوردار بود، در انتها در رقابت با برادرش سیف بن سلطان قدرت را واگذار نمود (ابن حبیب، بی‌تا: ۱۴۷؛ العبدانی، ۱۹۸۴: ۲۵۸). سیف بن سلطان ۱۶۹۲ - ۱۷۱۱، ملقب به به قید الارض (زیر زمین) یا سیف بن سلطان دوم با هدف حفظ مستعمره مومباسا با عناصر پرتغالی مقابله نمود. او مقر حکومتی را در شهر نزوی بر پا کرده اما بیشتر مراکز اداری در مسقط قرار داشت (شاکر، ۲۰۰۰: ۳۳۴). پس از او، سلطان بن سیف ۱۷۱۱ - ۱۷۱۸ به حکومت پرداخت (السعدون، ۲۰۱۲: ۴۲). در دوران سلطان بن سیف، بحرین به تصرف اباضیان عمان درآمد (شاکر، ۲۰۰۰: ۳۳۵-۳۳۴).

پس از مرگ سلطان، امام یعربی در سال ۱۱۳۱-۱۱۳۰/۱۷۱۹-۱۷۱۸م، نبرد قدرت به مدت ۳۰ سال موجب گردید تا ضمن نامنی و پریشانی اوضاع عمان، همه قبایل را زیر نفوذ و هدایت دو دسته بزرگ طوایف حناوی (هناوی) و غافری قرار دهد و این امر فروپاشی سلسله یعربی را تسریع نمود (الخصوصی، ۱۹۸۴: ۷۱؛ القاسمی، ۱۹۸۹: ۲۶-۲۵). پس از سلطان بن سیف دوم به ترتیب سیف بن سلطان دوم (۱۷۲۴-۱۷۱۹)، المهنا بن سلطان بن ماجد (۱۷۲۰-۱۷۱۹)، یعرب بن بلعرب (۱۷۲۳-۱۷۲۲)، محمد بن الناصر (۱۷۲۸-۱۷۲۴)، سیف بن سلطان دوم (۱۷۴۳-۱۷۲۸)، ابوالعرب بن حمیر بن سلطان (۱۷۳۸-۱۷۳۲)، سلطان بن مرشد بن عدی سوم (۱۷۴۳-۱۷۴۲)، سیف الثانی بن سلطان (حکومت اشتراکی با سلطان بن مرشد سوم) و بلعرب بن حمیر بن سلطان (۱۷۴۸-۱۷۴۴) به حکومت آل یعربه منصوب گشتند. مقارن با این تحولات، احمد بن سعید ابو سعیدی (۱۷۸۳-۱۶۹۳م) والی شهر صحار علیه دولت یعربه قیام نمود و با اتحاد مردم صحار و رستاق، مخالفان خود را شکست داد (قحطانی، ۱۴۲۰: ۲۳۴-۲۰۷). او در اجتماع رستاق در سال ۱۷۴۴م با لقب الامام احمد بن سعید به رهبری مردم برگزیده شد. این امامت و رهبری آغاز سلطنت پادشاهان ابو سعیدی است که تا امروز نیز ادامه دارد (العیدروس، ۲۰۰۰: ۳۴؛ العیدروس، ۱۹۹۸: ۹۹-۱۰۰).

۳- قدرت گیری امامان عمان پس از اخراج استعمارگران پرتغالی

با آغاز تحرکات دولت صفوی به منظور اعاده قدرت در سواحل شمالی خلیج فارس

و آزادی هرمز، تکاپوهای امامان عمان برای رهایی از یوغ استعمار پرتغال تسریع گشت (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۵). در سال ۱۰۵۳ هـ / ۱۶۴۳ م ناصر بن مرشد یعربی، امام اباضی عمان، صحار را تصرف کرد و سپس پرتغالیان رامجبور به تخلیه مناطق صور و مطرح کرد (ابن قیصر، ۲۰۰۲: ۳۵-۳۰). سلطان بن سیف جانشین او حملات به قلاع پرتغال را ادامه داد. در اواخر سال ۱۰۵۹ هـ، اعراب که چندین بار به مسقط تاخته بودند، بار دیگر آن شهر را محاصره نموده و چون نگهبانان پرتغالی از عهده دفاع بر نیامدند، شبانه وارد شهر شده و تجارت‌خانه پرتغال و یکی از قلاع مهم شهر را تصرف کردند. سرانجام فرمانده پرتغالی مسقط در ۲۰ محرم سال ۱۰۶۰ / ۲۳ ژانویه ۱۶۵۰ م تسلیم گشت (Risso, 1986: P 13) نایب‌السلطنه پرتغال و اسپانیا در هندوستان، ناوگانی را به یاری آنان ارسال نمود اما پیش از رسیدن آنان، پرتغالیان سواحل عمان را ترک گفته و قلاع عمده خود را در شبه جزیره از دست دادند (فلسفی، ۱۳۴۲: ۱۵۶؛ مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۵). آبه کاره کشیش کاتولیک فرانسوی که در فاصله سال‌های ۱۶۷۴ - م چند بار به جنوب ایران مسافرت نموده، در آخرین سفرش به بندر نخیلو از تقاضای امام مسقط از شیوخ نخیلو و سایر حکمرانان ایرانی برای مبارزه با عناصر پرتغالی سخن گفته است که این درخواست به علت کمبود امکانات و نبود سیاست‌های منطقه‌ای بلند مدت دولتمردان صفوی به نتیجه‌ای نرسیده است (آبه کاره، ۱۳۷۸: ۱۱۹-۱۱۸). فروپاشی دولت دریایی پرتغال که یکی از عوامل موثر محدود کننده تحرکات و نقش آفرینی ایران در منطقه خلیج فارس بود، با خشنودی ایرانیان مواجه گشت. اما این دگرگونی دیری نپائید و ضمن قدرتمند نمودن امامان یعاری و با هجوم اباضیان به جزایر و بنادر جنوبی و به خصوص شمالی خلیج فارس و دریای عمان، دولت‌های ایران با یکی از مهم‌ترین معضلات خود در این منطقه مواجه گشت که تا دوران قاجاریه استمرار یافت.

۴- گسترش اقتدار دریایی امامان اباضی

سرزمین عمان به صورت تاریخی و سنتی یکی از مراکز عمده کشتی سازی و فنون دریانوردی در حوزه خلیج فارس و دریای عمان محسوب می‌گردید (العانی، ۱۹۷۸: ۴-۹). با تصرف قلاع پرتغالیان، استحکامات، جنگ‌افزارها و به ویژه ناوگان آنان به دست امامان

اباضی عمان افتاد و این امر زمینه‌ساز توسعه قدرت دریایی آنان گردید: «قلاع آن‌ها را متصرف شدند و خود مانند فرنگان صاحب جهاز گردیده و به نحوی در جهازرانی و جنگ دریا ماهر شدند که در زمان تسلط آن‌ها هیچ جهازی از فرنگان را یارا نبود که در برابر جهاز آن‌ها تواند آمد و سالی نبود که چهار پنج جهاز از پرتگیش به چنگ نگیرند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۶-۳۵). به فرمان سیف بن سلطان، علاوه بر ناوگان غنیمتی پرتغالیان، تعدادی کشتی در منطقه گوا در حاشیه جنوب غربی هند نیز ساخته و خریداری گردید. گوا از غرب به دریای عرب متصل بوده و از مراکز کشتی سازی در اقیانوس هند و دریای عمان محسوب می‌گردید (محمد مرسی، ۱۴۱۴: ۱۲). تدریجاً صنعت کشتی سازی عمان با الگو برداری از نمونه‌های اروپایی به تولید ناوگان بومی پرداخت. استفاده فراوان از میخ به جای دوختن، عایق نمودن بدنه کشتی‌ها به وسیله چوب‌های سخت درختان بنگلور هند، ایلاف چند لایه و مخلوطی از روغن ماهی و شکر پخته و استفاده از بادبان‌های مربع شکل از ویژگی این صنعت بود. در زمان سیف بن سلطان تعداد کشتی‌های بزرگ عمان به ۲۸ فروند رسید. در زمان سلسله ابوسعیدی تعداد کشتی‌های توپدار آنان به حدود ۶۴ تا ۷۶ فروند افزایش یافت (staples, 2011: 2-4). کاپیتان چارلز لاک‌پیرا^۱ که در مه ۱۷۰۶ از مسقط دیدار کرده است، می‌گوید که این شهر پس از عقب‌نشینی پرتغالی‌ها آن چنان رو به آبادی گذاشته که برای کلیه ملل تجارت پیشه در هندوستان مایه وحشت شده است. به گزارش این مأمور انگلیسی، اعراب عمان بر روی هم ۱۴ کشتی جنگی و ۲۰ کشتی تجارتهی دارند و یکی از کشتی‌های جنگی دارای ۷۰ توپ است و هیچ یک کمتر از ۲۰ توپ ندارند. در مصرف باروت اسراف‌کار هستند، پرچم‌های سرخ رنگ دراز و باریک یا سه گوش لچکی در اهتزاز دارند. کاپیتان الکساندر هامیلتون انگلیسی که شخصا اطلاعاتی درباره مسقط داشته، نیز نیروی دریایی سلطان بن سیف دوم را توصیف نموده است: «در سال ۱۷۱۵م بحریه اعراب مرکب بودند از یک کشتی با ۷۴ توپ و دو کشتی با ۶۰ توپ و یک کشتی با ۵۰ توپ و هجده کشتی کوچک هر یک دارای ۱۲ تا ۳۳ توپ و چند کشتی پارویی هر یک دارای ۴ تا ۸ توپ. اعراب با این بحریه تمامی سواحل دریا از دماغه کومورین تا بحر احمر را

1- Charles Lockyer

در ترس نگه داشتند. آنان به مستعمرات پرتغال در هند حمله و مزارع را نابود کردند» (لکه‌هارت، ۱۳۶۸: ۷۵). در کنگ ناوگانی از عمانی‌ها وجود داشت که بسی از کشتی‌های پرتغالی با ۶۰ الی ۷۰ توپ بزرگتر بودند (اوبن، ۱۳۵۷: ۱۰) اباضیان عمان پس از محاصره بحرین در مه ۱۷۱۷ با ۵ کشتی بزرگ و ۳۰ قایق در خلیج فارس به گشت زنی پرداختند و در ۱۵ مارس ۱۷۲۳ با ۴ فروند کشتی بزرگ و ۱۵ کشتی کوچک در محدوده جزایر قشم و لارک و نیمه شمالی خلیج فارس به عرض اندام و ایجاد ترس در آب‌های ایران مشغول بودند (فلور، ۱۳۶۵: ۳۰ و ۲۰۰) امامان اباضی عمان بوسیله این توانمندی دریایی، محدوده دریایی وسیعی از خلیج فارس تا دماغه امید نیک (راس الرجاء الصالح) را تحت نظارت خود داشتند و در این هنگام نیرومندترین قدرت بحری در خلیج فارس و دریای عمان محسوب می‌گشتند (السیابی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۸-۷).

۵- سیاست توسعه طلبی امامان اباضی

در زمان حکومت امام سیف بن سلطان دوم حکمران اباضی عمان و همزمان با سلطنت شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵-۱۱۰۵هـ)، تجاوزات به سواحل شمالی خلیج فارس شدت گرفت (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۶). در اوایل حکومت شاه سلطان حسین صفوی، سیف بن سلطان، بندر کنگ در خلیج فارس را مورد تهاجم قرار داد و نزدیک به ۶۰ هزار تومان مال-التجاره بازرگانان را غارت نمود و سپس قصد تجاوز به بندر عباس را داشت که به علت تشدید اقدامات تدافعی مردم آنجا، منصرف گشت. پس از سیف، پسرش سلطان بن سیف ثانی (۱۱۳۱-۱۱۲۳هـ) به امامت اباضیان عمان منصوب گردید. در این هنگام که انحطاط و زوال نظام صفویه تشدید شده بود، جزایر بحرین، قشم، لارک و هرمز مورد تهاجم و غارت قرار گرفت (نوائی، ۱۳۶۳: ۴۸؛ مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۸). پس از تصرف بحرین، شهر غارت، قلاع نظامی آن ویران و بسیاری از مردم آن که عمدتاً شیعه مذهب بودند، قتل‌عام گردیدند: «گویند که در آن غوغا قریب دو هزار فاضل عالم کامل شربت شهادت چشیده‌اند و سلطان از استماع چنین ظلمی تن به انتقام آن در نداد، اغماض کلی فرمود» (محمد شفیع طهرانی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). پس از تسخیر بحرین، بندر کنگ برای سومین بار آماج تاراج قرار گرفت، قشم و لارک تصرف شدند و قلعه هرمز محاصره گشت. بیش از ۴ هزار نیرو از سوی

امام عمان برای تصرف این قلعه اعزام شده بودند که به وسیله یک کشتی بزرگ و ۳۰ تا ۴۰ فروند قایق کوچک حمایت می‌گشتند (فلور، ۱۳۷۱: ۱۲۶، ۱۲۲؛ مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۸). با نزدیکی مهاجمان به دروازه‌های بندر عباس و افزایش تاخت و تاز خوارج عمان در کرانه‌های جنوبی و شمالی خلیج فارس، عدم تمرکز سیاسی و اقتصادی و ناامنی تمام بخش‌های جنوبی ایران را فراگرفت. گروه وسیعی از صاحب منصبان اداری و حکومتی و تجار و بازرگانان گریخته و به سرزمین‌ها و کوه‌های پشت کرانه‌ای شهر پناه بردند (فلور، ۱۳۷۱: ۱۲۲). ضعف و تعلل‌های بی‌مورد ایران، سبب افزایش تجاوزات امامان عمان به جزایر و بنادر خلیج فارس و دریای عمان گردید و به تدریج به یکی از مهم‌ترین معضلات در مرزهای جنوب و جنوب شرقی ایران تبدیل شد. سر انجام شیخ محمد بن ماجد، شیخ-الاسلام بحرین به اتفاق گروهی از مردم خود را به دربار شاه سلطان حسین رساند و تحولات خلیج فارس و دریای عمان را به اطلاع او رسانید: «چنان که حضرت ایران پناه از شنیدن این اخبار بر آشفته و متأثر شد» (همان: ۳۹). در نهایت ضعف نظامی، دولت مردان صفوی را به انجام مذاکره صلح و پرداخت مبالغی (۵ هزار تومان) به امام مسقط مجبور ساخت و اعراب مهاجم از بحرین و قلاع قشم و لارک عقب نشینی نمودند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۴).

۶- ضعف‌های بنیادی در ساختار حکومت صفویه پس از شاه عباس اول

با درگذشت شاه عباس اول در سال ۱۰۳۸/۱۶۲۸م عصر طلایی حاکمیت ایران بر سرحدات دریایی جنوب که پس از مدت‌ها اعاده گردیده بود، به پایان رسید و جانشینان ناکارآمد او به ویژه از دوران شاه عباس دوم، تا شاه سلطان حسین هرگز نتوانستند بر توسعه قدرت ایران در این مناطق تأثیر به‌سزایی بگذارند. مقارن با حکومت شاه سلطان حسین که استراتژیک‌ترین مناطق دریایی و اراضی ایران در شرف سقوط کامل قرار گرفته بود، مرکزیت صفوی فاقد هرگونه اطلاع و شناخت کافی نسبت به جریان‌ات جنوب و ابزار کارآمد در برخورد با این معضلات بود، چنان‌که هجوم اعراب به جزایر و بنادر و ضعف خطوط تدافعی ایران با شگفتی و حیرت مردم بومی مواجه گشت و در اصفهان پایتخت صفویان، رجال درباری خدمه خود را همه روزه به مراکز بازرگانی اروپایی به ویژه کمپانی هند شرقی

هلند می‌فرستادند تا از جریان‌ات واقعی امور خلیج فارس و دریای عمان کسب اطلاع نمایند (فلور، ۱۳۷۱: ۱۲۷-۱۲۶). فساد و انحطاط مقامات و رقابت درباریان، مانع از چاره‌اندیشی قطعی و ماندگار برای این گونه مشکلات می‌گشت و استمدادات مردم نیز در لابلای این دایره ضخیم از تباهی و زوال به نتیجه‌ای نمی‌رسید (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۹-۳۸؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۴۱-۶۹۴۰؛ جعفریان، ۱۳۷۲: بیت ۳۰۷ و ۳۱۲ مکافات نامه؛ طاهری شهاب، ۱۳۴۸: ۶۲۲-۶۲۱). «شاه اکثر اوقات با فضلا و سادات و حکیم باشی صحبت می‌داشتند و مشغول صحبت کتاب و شعر و ترکیب ادویه و اغذیه بودند، متوجه نظام امور سلطنت و مملکت نبودند و مهمام را برای امرا گذاشته، امرا نیز با یکدیگر در مقام نفاق بودند» (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۱۵). در کنار فساد درباری، رکود نظامی و زوال اقتصادی نیز دولت صفویه را از داشتن یک نیروی تدافعی در جنوب ایران محروم می‌ساخت: «امرای غافل و سپاه اسایش طلب را قریب یک صدسال شمشیر از نیام بر نیامده بود» (حزین لاهیجی، ۱۳۳۲: ۵۲). «لشکر از تهیدستی و عسرت و پریشانی احوال به جد تفریط بی‌اوضاع و آلات و اسباب شدند و از فقر در هم شکستند، مانند شیشه بر سنگ» (اصف رستم الحکما، ۱۳۵۲: ۱۰۲).

۷- ضعف نیروی دریایی ایران

عدم وجود یک نیروی بحری نظامی کارآمد، دولت صفویه را نیز به مانند ادوار پیش و پس از آن دچار مشکلات عمیقی در سرحدات جنوبی ایران نمود. به عنوان نمونه علاوه بر حملات در جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی ۱۱۰۶هـ/ دسامبر ۱۶۹۴م و ژانویه ۱۶۹۵، در سال ۱۱۲۰ نیز بندر کنگ مورد تهاجم قرار گرفت. شهر بدون مقاومت سقوط کرد و مهاجمان پس از سه روز قتل و تاراج به سرزمین‌های خود بازگشتند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۶). ناتوانی ایران در بخش نیروی دریایی نظامی در این هنگام به وضوح آشکار گردید: «عباس قلی خان حاکم لار و بندر که در آن وقت در لار می‌بود به محض شنیدن این خبر به تعجیل تمام خود را به بندر کنگ رسانید و چون فرقه عمانی بعد از تاراج بر جهازات به در رفته بودند و سر انجام سفر دریا از جهازات و غیر در سر کار پادشاهی و امرا هیچ کدام نبود بر آمدن او فایده مترتب نگردید» (همان: ۳۶). شاه سلطان حسین، محمد مومن بیگ چهرمی

را برای سرکوب متجاوزان به سواحل خلیج فارس اعزام نمود که این بار نیز ناتوانی شدید نیروی دریایی مانع از تحقق این هدف گشت: «و چون به بندر کنگ رسید نیز به سبب فقدان جهازات و سر انجام سفر دریا یک چند بلیت و لعل گذارنیده، مراجعت به حضور نمود» (همان: ۷-۳۶). ضعف شدید نیروی دریایی ایران به هنگام تلاش‌های دولت شاه سلطان حسین برای دفاع از مجمع الجزایر بحرین نیز به خوبی آشکار شد: «چون در آن وقت آرام و راحت در ملک ایران به مدینه کمال رسیده بود و از تدابیر جنگ و محنت کشی آن شغل شگرف مطلق بی‌خبر بودند و نیز مردمی که کشتی سوای کشتی فلک به مخیله ایشان خطور ننموده و دریایی به غیر از دریای خاک ندیده بودند چون اول بار سوار شدند لهذا سر ایشان مانند فلک دوار به دوار آمده قی و غثیان روی می‌داد، چنان که اکثر آن سپاهیان را بر روی طرادات همین حالت روی داد» (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۹). ضعف تجربه جنگ دریایی سپاهیان صفوی را پس از استقرار در جزیره بحرین به سرعت به شکست و نابودی کشانید (همان: ۴۰-۳۹). با تسلط اعراب عمان بر منافع تدارکاتی، ارتش ایران در هم شکسته و نیروهای آن به قتل رسیده یا به اسارت گرفته شدند: «از غلبه تشنگی و بی‌سرانجامی به ستوه آمده و عاجز شده فریاد الامان برآوردند و فرقه عمانی تمام آن فوج را به هیئت گله بز و گوسفند اسیر نموده، همگی را به قتل رسانیدند» (همان: ۴۰). بر این اساس بود که مارتین سانسون مبلغ مسیحی فرانسوی که در ۱۶۸۳ میلادی / ۱۰۹۵ هجری قمری به ایران مسافرت نمود از عدم وجود نیروی دریای ایران سخن می‌گوید: «شاه ایران در دریا هیچ نیرو ندارد و همین قدر که شاه، آقای خلیج هرمز و «خلیج فارس» و دریای عربستان و بحر خزر می‌باشد برای او کافی است. ایرانیان کشتی رانی را دوست ندارند» (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۴۴). کمپفر المانی نیز با اشاره به این نقیصه می‌نویسد: «آنچه هست به چند کشتی کوچک مسلح تجاری محدود است که در «خلیج فارس» و دریای خزر آمد و شد دارند» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۶۷). شاردن نیز با اشاره به عدم بندرگاه مناسب طبیعی در خلیج فارس، می‌نویسد: «ایرانیان به هیچ وجه استعداد کشتی رانی ندارند. در خلیج فارس به هیچ وجه دریانورد تربیت نمی‌کنند. کشتی‌هایی که در این خلیج به تجارت مشغولند یا کشتی‌های اروپاییان هستند یا اعراب» (شاردن، ۱۳۳۶، ج ۸: ۲۲۷).

۸- سیاست‌های فردی و حذف و خلاء نخبگان

در زمان حکومت شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸/۵۱۰۳۸-۱۶۴۲-۱۶۲۸م)، امام‌قلی خان فاتح هرمز و یکی از مطلع‌ترین افراد در شناخت اوضاع سیاسی، اقتصادی و نظامی بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان همراه با سه فرزندش به قتل رسید، بدین ترتیب ایران یکی از عوامل موثر در توسعه نقش آفرینی خود را در این منطقه از دست داد (حسینی فسائی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۷۴). پس از قتل‌عام خاندان امام قلی خان، سرزمین فارس، کوه‌گیلویه، لار، بحرین و جرون را که تحت اداره او بود (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۸۴)، تجزیه گردید (حسینی فسائی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۷۴؛ خواجهگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۴۸). تجزیه سرزمین‌های ساحلی و تقسیم آن میان والیان متعدد، ضمن کاهش توانمندی نظارت و امکان تصمیم‌گیری واحد، ضعف بیشتر ایران را به دنبال داشت. با سلطنت شاه عباس دوم روند تزلزل موقعیت ایران در خلیج فارس تسریع شد. جابجایی امرا و مسئولان مرتبط با تحولات این منطقه نیز ادامه یافت (حسینی فسائی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۷۹؛ تاورنیه، ج ۲: ۵۹۹-۵۶۲، ۵۵۹؛ نوایی و غفاری فرد، ۱۳۸۱: ۲۴۴، ۳-۲۳۲). شاه سلطان حسین، پس از تصرف بحرین به وسیله خوارج عمان، لطفعلی خان برادرزاده فتحعلی خان داغستانی صدر اعظم را سپه سالار مطلق و بیگلربیگی فارس و کوه‌گیلویه و خان لار و بنادر نمود و به عنوان فرمانده اصلی سرکوب متجاوزان عرب به این نقاط مأمور داد (رهبربن، ۱۳۵۷: ۱۵؛ حسینی فسائی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۹۵؛ مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۹). یوسوا کیتلار مأمور کمپانی هند شرقی هلند در ۱۰ اکتبر ۱۷۱۷ طی نامه‌ای به عوامل شرکت در بندر عباس با اشاره به این موضوع، نوشت: «سر انجام دربار از رویاهای عشرت بیدار می‌شود و با دریافت خبرهای تسخیر بحرین به دست تازیان مسقط به راستی احساس هراس می‌کند» (فلور، ۱۳۷۱: ۱۲۲). لطف‌علی خان پس از انتصاب به این مأموریت به ایالت فارس و سپس به بندر ری‌شهر (بوشهر) گسیل گشت و با سازمان‌دهی نیروهای خود در منطقه تل سیاه، سپاهی را به استعداد بیش از ۷ هزار سوار و پیاده به سوی جزایر خلیج فارس اعزام نمود. عدم تجربه جنگی در نتیجه سال‌های طولانی رکود و خمودی ارتش صفوی و ناآشنایی با فنون دریانوردی و کشتیرانی این لشکرکشی را نیز به مانند سایر تکاپوهای پیشین بی‌اثر گذارد و سپاهیان ایران با تلفات گسترده مجبور به عقب نشینی

گشتند. میرزا خلیل مرعشی در بررسی انقراض صفویان تا سال ۱۲۰۷هـ، علت عمده شکست‌های ایران در کرانه‌های جنوبی را صفات دون و عدم کارایی لطف‌علی خان می‌داند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۵-۴۴). کروسینسکی کشیش لهستانی عصر صفوی نیز با اشاره به تحولات خلیج فارس و مأموریت لطف‌علی خان در مقابله با تجاوز امامان عمان می‌نویسد: «بالاخره به سمت بحرین سفری شد، چون تدارک و آذوقه به جزیره خواستند کشید، کشتی نداشتند. از دولت بوریقال (پرتغال) سفینه به اجرت خواستند و آن مبلغی خطیر می‌شد. قیودان بوریقال چون دید وجهی نمی‌رسد، کشتی‌ها را برگردانیده و سپاه قزلباش بی‌نیل به مقصود بازگشتند» (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۵-۴۴). بخش اعظم ناکارآمدی و ناکامی‌های سیاست خارجی ایران در اواخر عصر صفویه در منطقه خلیج فارس و دریای عمان، برگرفته از ضعف بنیادی شاه و پاره‌ای مسائل مضمحل‌کننده درباری، فساد و رقابت صاحب‌منصبان بود. در حالیکه موسوی میرفندرسکی در تحفه العالم، سلطان حسین را اتشعنان توصیف نموده است (موسوی میرفندرسکی، ۱۳۸۸: ۵-۴۴)، دوسرسو فرانسوی می‌نویسد: «شاه سلطان حسین مهربان‌ترین و بی‌گمان‌ترین نادان‌ترین پادشاهی است که تاریخ ایران به یاد دارد. کور دلی سیاسی، عدم ثبات فکری، تزلزل اراده و بدون صفات بایسته یک پادشاه که باعث ضعف و سستی در رفتار می‌گردد» (دوسرسو، ۱۳۶۴: ۶۹: ۳۰). وی با اشاره به رقابت‌های درباری در مورد لطف‌علی خان نیز نظری دیگرگونه دارد: «لطف‌علی خان مردی خردمند و با هوش و مرد عمل بود و شایستگی و آگاهی زیادی در کارهای نظامی داشت» (همان: ۱۳۱). کروسینسکی نیز با اشاره به نبرد اولیه ما بین لطف‌علی خان و محمود افغان که به شکست و عقب‌نشینی افغانان منجر گردید، به نفاق‌های نابودکننده در بدنه حکومتگران صفوی توجه نموده است (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۴۵) خلع مهراب سلطان نیز ایران را از قابلیت‌های ذاتی یکی دیگر از نیروهای خود در خلیج فارس متضرر ساخت. بحرین که از دوران شاه عباس اول به یکی از مراکز تشیع در خلیج فارس تبدیل گشت، سه بار مورد حملات خوارج عمان قرار گرفت که در سال اول در نتیجه مقاومت مردمی به رهبری مهراب سلطان، با شکست و تلفات فراوان آنان همراه بود (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۳۷) در سال ۱۱۲۸هـ. بحرین برای دومین بار مورد حمله قرار گرفت که با همکاری حاکم دشتستان و ری‌شهر (بندر بوشهر)، این حمله را ناکام گذارد (همان: ۳۷) در سال ۱۱۲۹هـ

جزیره بحرین برای سومین بار مورد تهاجم اعراب قرار گرفت و در حالی که مهرباب سلطان فرماندار لایق آن از سوی شاه سلطان حسین خلع گردیده و حاکم جدید هنوز استقرار نیافته بود، بدون مقاومت جدی تسخیر گشت: «مرتبه سیوم در سنه ۱۱۲۹ هجری، چهارده جهاز را سرانجام نموده با افواج و لشکر بسیار سه چهار دو مرتبه سابق بر سر بحرین آمدند و در این بین از سوء تدبیر امرای آستان خاقانی مهرباب سلطان را که مستحق تحسین و آفرین و خلعت و جایزه بود از حکومت بحرین معزول نموده و حاکم جدید هنوز در راه بود که لشکر عمانی رسیده بحرین را محاصره نمودند» (همان: ۸-۳۷).

۹- ناکامی در اتحاد با نیروهای حمایت‌گر خارجی

با افزایش ناآرامی در خلیج فارس و حملات اعراب عمان، دولت ایران تلاش فراوانی را برای ایجاد اتحاد با قدرت‌های اروپایی به منظور استفاده از توان دریایی آنان و شکست مهاجمان انجام داد. انگلستان از پذیرش این گونه اتحاد خودداری نمود. کمپانی هند شرقی هلند نیز از تحویل کشتی‌های نظامی و یا کمک به حمل و نقل نیروهای زمینی ایران سر باز زدند (فلور، ۱۳۷۱: ۷۵-۷۲). ایران سعی نمود با اعطای امتیازات فراوان از توان دریایی دولت فرانسه کمک گیرد. با وجود اعزام محمد رضا بیگ به دربار لویی ۱۴ پادشاه فرانسه، به علت ضعف جسمانی لویی ۱۴، فرسودگی ارتش فرانسه در نتیجه جنگ‌های متعدد دریایی با رقیبان اروپایی و انعقاد پیمان دوستی ما بین امام مسقط و فرانسه، این کشور نیز از یاری ایران خودداری نمود، در حالی که بر اساس قرارداد ۱۱۲۰ ه با شاه سلطان حسین، چنین تعهدی را پذیرفته بودند (اقبال، ۱۳۲۸: ۹۸؛ میر احمدی، ۱۳۷۱: ۶-۲۰۳). ناکامی دولت صفوی در انعقاد قرارداد اتحاد با کشورهای اروپایی، موجب گرایش به سوی پرتغال گردید که به علل روابط تیره گذشته، گزینه آخرین و همراه با تردید به شمار می‌رفت (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۰). سرانجام دولتمردان ایران با توجه به سابقه دشمنی میان پرتغال و امامان عمان، این کشور را گزینه خوبی برای مبارزه با اعراب دانستند. ضعف دریایی سرداران قزلباش صفوی و توان نظامی ناوگان امپراطوری پرتغال از دیگر علل روی آوردن ایران به سوی دشمن و رقیب پیشین در منطقه خلیج فارس و دریای عمان بود: «در این وقت به خاطر امرای پادشاهی و لطف‌علی خان و مشیران رسید که غلبه فرقه عمانی به اعتبار داشتن

جهازات و لشکر ایشان است که معتاد به سواری جهاز و صاحب وقوف جنگ دریانند و فرقه قزلباشیه به اعتبار فقدان جهاز و عدم صفات کذا از عهده جنگ آن‌ها نمی‌توانند برآمد و فرقه فرنگان به خصوص پرتگیش ماهر این امور و استادکار و واضع من جهازرانی و توپ و تفنگ‌اند» (همان: ۴۱). پرتغالیان مبلغ گزافی در حدود ۵۰ هزار تومان که شامل سهم ادعایی از گمرک بندر کنگ که نزدیک به ۲۰ سال چیزی از آن دریافت نکرده بودند، مطالبه نمودند (لکه‌هارت، ۱۳۶۸: ۱۳۳؛ مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۳). نبرد ما بین پرتغال و ناوگان امامان مسقط در جنگ دریایی بندر کنگ با تلفات فراوان پرتغالیان به صورت بی‌نتیجه‌ای به پایان رسید و پس از یک هفته خلیج فارس را ترک نمودند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۳). اتحاد ما بین ایران و پرتغال با وجود درخواست مصالحه لطف‌علی خان برای پرداخت ۸ هزار تومان جدای از ۵ یا ۶ هزار تومانی که در این مدت خرج آنان شده بود (همان: ۴۴)، به علت قدرت‌گیری روز افزون خوارج عمان و ترفندهای رقیبان اروپایی از جمله اتین پادری کنسول فرانسه در شیراز که برای تشکیل اتحادیه‌ای میان ایران و فرانسه علیه اعراب مسقط تلاش می‌نمود و در عمل، عمال ایرانی را سرگرم می‌ساخت، به ناکامی انجامید (لکه‌هارت، ۱۳۶۸: ۱۳۳) و چون پرتغالیان «شبی از شب‌ها بدون رخصت به جهازات خود سوار شده و لنگر کشیده از میان به در رفتند» (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۴). پس از خروج عناصر پرتغالی، فرماندهی ایران در منطقه خلیج فارس مدتی را در بلاتکلیفی به سر برده و توان مبارزه جدی با متجاوزان را نداشتند (مالکوم، ۱۳۶۲: ۳۰۹؛ حسینی فسائی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۶-۴۹۵): «لطف‌علی خان چند وقت دیگر در بندر کنگ به بعضی از تدابیر سست و فکرهای نادرست اوقات گذرانید و هر دم فکری و هر لحظه خیالی می‌کرد و باز آن را موقوف می‌نمود» (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۴). در سال ۱۰۶۷ هجری بخشی از نیروهای ایران در منطقه لارستان و دشتستان برای یاری به شاهزاده مراد بخش پسر شاه جهان پادشاه هندوستان در مقابله با برادرش اورنگ زیب به هند اعزام گردیدند، درحالی‌که در همین زمان سرحدات خلیج فارس در معرض حملات شدید اباضیان قرار داشت (حسینی فسائی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۸۳). از دوران سلطنت شاه سلیمان تقابل میان ایران و اعراب عمان شدت گرفت. در سال ۱۰۷۹ هجری دولت صفویه و امام اباضی عمان بر سر شاهزاده سلطان اکبر پسر اورنگ زیب پادشاه هندوستان که پس از اختلافات با پدرش به مقصد ایران حرکت نموده و در عمان پهلوی گرفته بود، با

یکدیگر درگیر شدند (همان: ۴۸۶). مقارن با این تحولات، حضور نظامی انگلستان و هلند در منطقه خلیج فارس و دریای عمان افزایش یافت. کمپانی هند شرقی هلند از سال ۱۰۸۵ تعدادی از جزایر و بنادر را تصرف کرد، این امر به همراه افزایش تحرکات و تقابلات با عمان، موقعیت ایران را در سرحدات دریایی جنوبی کشور ضعیف‌تر ساخت. از اوایل سلطنت شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵-۱۱۰۵هـ)، حاکمان ایران با توجه به ضعف‌های نظامی دولت صفوی، سیاست استفاده از نیروی دریایی دول اروپایی، چون کمپانی هند شرق انگلستان، هلند، پرتغال و فرانسه را با جدیت بیشتری در پیش گرفتند. این دول به علت این که ناوگان آنان مورد راهزنی از سوی امامان عمان قرار داشتند، به همکاری با ایران برای ضربه زدن به اباضیان متمایل بودند. با این حال به علل تفاوت در منافع، اهداف و به ویژه تعلل دولت صفوی به فرجام بسنده‌ای نرسید (اقبال، ۱۳۲۸: ۷-۹۶؛ محمد ابراهیم بن زین‌العابدین نصیری، ۱۳۷۳: ۱۵۲). در مقابل ناوگان پرتغالیان آماده همکاری با سپاه ایران گردید. بر اساس قرارداد منعقد شده میان ایران و گرگوریو پیرا فیدالگو^۱ سفیر پرتغال که در شعبان ۱۱۰۷ / مارس ۱۶۹۶ از بندر گوا هندوستان اعزام شده بود، دولت پرتغال ۲۰ جنگی را برای جنگ با اعراب عمان مهیا می‌ساخت (لکهارت، ۱۳۶۸: ۱۱۱؛ اوین، ۱۳۵۷: ۱۴-۱۳). اما مجموعه عواملی که محمد بن ابراهیم آن را تصاریف زمان می‌خواند، مانع از انجام این لشکرکشی گردید، خشکسالی در فارس و قحط سالی در مسقط که سبب طمع بازرگانان ایرانی برای فروش اجناس به این حدود و درآمدزایی بالاتر گردید، بخشی از این عوامل تأثیرگذار بود. شاه سلطان حسین در نامه‌ای در تاریخ ۱۲ فوریه ۱۶۹۷ به نایب‌السلطنه پرتغال در هندوستان دلایل به تعویق انداختن لشکرکشی را چنین شرح داد: «چون در سال جاری آب، گندم، جو، کاه، روغن، سبزیجات و سایر مواد غذایی وجود ندارد و نیز به سبب عدم انجام کامل توافقات قبلی که به موجب آن‌ها بیست کشتی می‌بایستی بیایند و نرسیدند، انجام جنگ در سال جاری عملی نشد. به تصور اینکه کشتی‌ها می‌رسند من یک ژنرال تعیین کردم و قشون خود را به حرکت در آوردم، قشونی که با خروشی همانند دریا در پیش می‌رفت و چون دسته‌های ملخ زمین را می‌پوشاند. به علت کمبودها و موانعی که آن‌ها

اشاره شد، به قشون دستور توقف دادم» (اوبن، ۱۳۵۷: ۳۱). تعلل حکمرانان در ارسال قوای نظامی موجب اعتراض سفیر و فرمانده ناوگان دریایی پرتغال مستقر در بندر کنگ گردید: «به خدمت عرض شود که دو سال است که حسب‌الفرمان قضا جریان پادشاه ایران هر سال مبلغ‌های اخراجات در باب روانه نمودن جهازات به سرکار پرتغال واقع شده و در یک سال خود به اعتبار نایابی غله و سیورسات، تعویق گوشمال خارجیان شد و در این سال که غله و آذوقه وافر بود، باز تنبیه آن کافر، معوق گردید» (همان: ۱۵۵). شاه سلطان حسین در جواب به این اعتراضات طی نامه‌ای به سفیر پرتغال در ۱۱۰۹ هـ این چنین پاسخ داد: «مشیت الهی بر آن شد که کاری را که ما در ابتدا تصمیم گرفته‌ایم به موقع عملی شود» (اوبن، ۱۳۵۷: ۷۸). گرگوریو پیرا فیدالگو با اشاره به عدم اراده جدی در میان حاکمان صفوی برای نبرد با اباضی‌های عمان، می‌نویسد: «بعد از پاسخ دادن به تمامی سوالات وی (سلطان حسین صفوی) در مورد قرارداد خودمان و مبارزه با عمانی‌ها شروع به صحبت کردم، ولی هر بار شاه سخنان من را قطع می‌کرد و از اوضاع و احوال اروپا سؤال می‌نمود. درست هنگامی که می‌خواستم دلایل بی‌شماری برای تشویق جنگ با اعراب بشمارم، شاه به رییس تشریفات امر داد یک کرسی جهت نشستن من فراهم آوردند و سلطان دستور به موسیقی و ساز و آواز داد» (همان: ۵۵-۶). بر این اساس بود که فیدالگو ایران را فاقد ثبات و پشتکار دانسته و اینکه «با چه سهولتی خودشان را قانع می‌سازند» (همان: ۵۹). سیاست تعلل حاکمان این دوره ریشه در ناکارآمدی گذشته صفویان داشته است، چنانکه به گفته شاه سلیمان صفوی بی‌اعتنایی به تجاوزات ناچیز و پرخاش‌گری‌های مختصر بهتر از دست زدن به جنگی بود که سرانجامش نامعلوم بود (متی، ۱۳۸۷: ۱۸).

۱۰- توسعه اقتصادی عمانات و ضعف تجارت دریایی صفویان

در دوران حکومت آل یعاریه، عمان به یکی از ثروتمندترین مناطق حوزه خلیج فارس و دریای عمان تبدیل گشت (وزارة التعليم العالی، ۲۰۰۹: ۲۰-۱۹). ده‌ها قنات یا فلج برای آبیاری ایجاد شد، کشاورزی توسعه یافت و باغهای مرکبات متعددی ایجاد گردید. در دوره حکومت دومین امام یعربی سیف بن سلطان، حدود ۱۷ قنات از جمله قنوات الهج، صناعی، مسفاه و الکوثر در ناحیه رستاق، برزمان در عمان داخلی، منماه در وادی السحین و

چشمه‌های متعدد مابین ناحیه نزوی و ازکی احداث و یا لایروبی گردید (السیابی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۹). کشت نخیلات و به ویژه نارگیل (جوزالهند) که حاصل ارتباطات تجاری با هند و شرق آفریقا بود، از دیگر علائق اقتصادی وی به شمار می‌رفت (قاسم، ۱۹۷۵: ۱۰۸؛ Ingrams, 1931: 119). استیلای اباضیان بر راههای آبی دریای عمان، دریای عرب، دریای سرخ و اقیانوس هند نقش مهمی در توسعه اقتصادی عمان ایفاء نمود. در فرایند توسعه طلبی امامان عمان، بخشی از مهمترین نواحی غرب اقیانوس هند و شرق آفریقا مانند بنادر دیو، مانگلور، سالست، الدامان، بارسلور در هند، مومباسا و زنجبار در آفریقا به تصرف آنان درآمد. بندر مسقط در سایه این تحولات به یکی از مهمترین مراکز تجاری در حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند تبدیل گشت (Ingrams, 1931: 120). در مقابل توسعه و نفوذ اقتصادی امامان عمان، پادشاهان واپسین صفویه، دورانی از انحطاط مراکز تجاری نیمه شمالی خلیج فارس را موجب گشتند. با سقوط هرمز در دوره شاه عباس اول، گروهی از تجار و اهل حرف و صاحبان ثروت به مسقط مهاجرت نموده و در آنجا به تکاپوهای اقتصادی پرداختند (دلاواله، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۵۷۶). تعرفه‌های سنگین در بندرعباس و رفتار ستمگرانه مقامات گمرکی باعث گردید بسیاری از بازرگانان، برای انجام امور تجاری خود، مسقط را به دلیل شرایط مناسب آنجا، ترجیح دهند (فلور، بی تا: ۵). خصوصت و کینه مابین ساکنان جزایر و بنادر ایران از جمله خارک، ریگ، دورق، بوشهر، لنگه، چارک، چپرو، نخلیو، علو، شیلو، کنگان، بردستان و غیره که عمدتاً ریشه در رقابت‌های اقتصادی و اختلافات نژادی داشت، روند زوال موقعیت اقتصادی ایران را در این حوزه دریایی تسریع می‌نمود. همه آنها به نوعی درگیر یک نبرد داخلی فرسایشی بودند. این گروه‌ها با بیش از ۸۰۰ فروند شناور محلی مسلح از ابراه خلیج فارس تا بندر بصره را در اختیار داشتند و این منطقه را برای سایر ناوگان تجاری بسیار پرخطر کرده بودند. آنان قدرت شاه صفوی را به ریشخند گرفته و تنها قدرت و سلطه شیوخ خود را به رسمیت می‌شناختند (فلور، ۱۳۸۹: ۴۳).

۱۱- هجوم افغانه و بلوچان

هجوم افغانه به ایران، تحرکات ناچیز و بی‌ثمر دولت صفوی در کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان را به شدت تحت تأثیر قرار داد. در تابستان ۱۱۳۳ ه / ۱۷۲۰م فتح‌علی خان و

لطف‌علی خان تصمیم گرفتند که مبارزه با اعراب مسقط را به پس از سرکوبی افغانان موکول نمایند (لکه‌هارت، ۱۳۶۸: ۱۳۴؛ کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۴۵). به نوشته برخی از مورخین، مقابله با اعراب مسقط و توجه به جنوب به جای شرق یکی از علل عدم مبارزه صحیح و ناکامی در برابر تهاجمات افغانه و محمود افغان بوده است (سیوری، ۱۳۶۶: ۲۲۱). گروهی نیز بر این عقیده‌اند که تشدید حملات افغانان سبب گردید تا لطف‌علی خان جزایر و بنادر جنوبی ایران را در اختیار اعراب بگذارد تا توان بیشتری برای مقابله با متجاوزان در مرزهای شرقی داشته باشد (فلسفی، ۱۳۴۲: ۲۴۴). مقارن با این تحولات که کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس و دریای عمان آماج حملات اقوام اباضی قرار گرفته بود، گروهی از اقوام بلوچ در سال ۱۱۳۴ هـ به ایالات کرمان و فارس تاختند و ضمن تصرف شهر لار، ۴ هزار تن از سواران را برای تصرف بندر عباس اعزام نمودند، اما قوای انگلیسی و هلند در دفاع از تجارت‌خانه‌های خود، در غیاب نیروهای تدافعی ایران، با آنان به جنگ پرداخته و از شهر محافظت کردند (فلسفی، ۱۳۴۲: ۵-۲۴۴). حملات بلوچان روند زوال قدرت دولت مرکزی ایران را در سرحدات جنوبی تشدید نمود.

نتیجه‌گیری

با هجوم اباضیان عمان به جزایر و بنادر جنوبی و به خصوص شمالی خلیج فارس و دریای عمان، دولت صفویه با یکی از مهم‌ترین معضلات خود در این منطقه مواجه گشت. مجموعه عوامل به هم پیوسته متعددی، فرایند قدرت‌گیری خوارج عمان و فروپاشی قدرت ایران عصر صفوی را در خلیج فارس موجب گردید: با اخراج و تصرف قلاع پرتغالیان، استحکامات، جنگ افزار و به ویژه ناوگان آنان به دست امامان اباضی عمان افتاد و این امر زمینه ساز توسعه قدرت دریایی آنان شد. با درگذشت شاه عباس اول در سال ۱۶۲۸/۱۰۳۸ م عصر طلایی حاکمیت ایران بر سرحدات دریایی جنوب که پس از مدت‌ها اعاده گردیده بود، به پایان رسید و جانشینان ناکارآمد او به ویژه از دوران شاه عباس دوم، تا شاه سلطان حسین هرگز نتوانستند بر توسعه قدرت ایران در این مناطق تأثیر به‌سزایی بگذارند. عدم تمرکز سیاسی، بی‌کفایتی حکومت‌گران ایران، نبود شناخت کافی نسبت به مناطق گرمسیرات، عدم تجربه جنگی در نتیجه سال‌های طولانی رکود و خمودی ارتش

صفوی و ناآشنایی با فنون دریانوردی و کشتیرانی، تجزیه سرزمین‌های ساحلی و تقسیم آن میان والیان متعدد که کاهش توانمندی نظارت و امکان تصمیم‌گیری واحد را موجب می‌شد، توسعه نفوذ دول اروپایی به ویژه انگلستان و هلند در منطقه خلیج فارس، گسترش قدرت نظامی و تجاری امامان یعاری، فساد و انحطاط مقامات و رقابت درباریان و هجوم افغانه از عوامل مؤثر در این فرایند منفی بود. بخش عمده‌ای از زمینه‌های زوال موقعیت ایران در حوزه خلیج فارس و دریای عمان ریشه در تحولات سوءسیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی پیش از حاکمان واپسین صفویه داشت. این عوامل در یک فرایند زمانی طولانی اثرات مخرب خود را در این هنگام نشان داد.

منابع و مأخذ

- آبه کاره، بارتلمی (۱۳۸۷)، *سفرنامه آبه کاره به ایران*، احمد بازماندگان خمیری، تهران، گلگشت.
- ابن حیب، مال الله بن علی (بی‌تا)، *ملاحظ من تاریخ عمان*، ترجمه محمد محمد الکامل، عمان، وزارة التراث القومي والثقافة.
- ابن قیصر، عبدالله بن خلفان (۲۰۰۲)، *سیره الامام ناصر بن مرشد مؤسس دوله الیعاربه*، دارالحکمه عمان، للطباعه و النشر و التوزیع.
- اصف رستم الحکما، محمد هاشم (۱۳۵۲)، *رستم التواریخ*، به اهتمام محمد مشیری، تهران، امیرکبیر.
- اوین، ژان (۱۳۵۷)، *گزارش سفیر پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی*، پروین حکمت، تهران، دانشگاه تهران.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶)، *سفرنامه تاورنیه*، ابوتراب نوری، به اهتمام حمید شیرانی، تهران، سنایی و کتابفروشی تایید اصفهان.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۲)، *علل برفقاندن صفویان*، مکافات‌نامه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- چمنکار، محمدجعفر (۱۳۸۳)، *بحران ظفار و رژیم پهلوی*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- حزین لاهیجی، شیخ محمدعلی (۱۳۳۲)، *تاریخ حزین. شامل اواخر صفویه و فتنه افغان و سلطنت نادرشاه*، اصفهان، کتابفروشی تایید.
- حسینی فسائی، میرزا حسن (۱۳۸۲)، *فارسنامه ناصری*، به اهتمام منصور رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر.
- الخصوصی، بدرالدین عباس (۱۹۸۴)، *دراسات فی تاریخ الخلیج العربی (فارسی)*، الحدیث و المعاصر، ج ۱، ط ۳، الكويت.
- خواجگی اصفهانی، محمد معصوم (۱۳۶۸) *خلاصه‌السیرتاریخ روزگار شاه صفی صفوی*، به اهتمام ایرج افشار، تهران، علم.
- دکمچیان، هرایر (۱۳۷۲)، *جنبشهای اسلامی در جهان عرب*، حمید احمدی، تهران، کیهان.

- دلاواله، پیتر (۱۳۹۱)، *شجاع‌الدین سفا*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دوسرسو (۱۳۶۴)، *سقوط شاه سلطان حسین*، ولی‌الله شادان، تهران، کتابسرا.
- سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۰)، *تاریخ عرب قبل از اسلام*، باقر صدری نیا، تهران، علمی و فرهنگی.
- السالمی، عبدالله بن حمید (۱۹۳۴)، *تحفه الاعیان بسیره اهل عمان*، القا، مطبعه الامام.
- سانسون، مارتین (۱۳۴۶)، *سفرنامه سانسون*، وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، تقی تفضلی، تهران، ابن سینا.
- السعدون، خالد (۲۰۱۲)، *مختصر التاريخ السياسی للخليج العربی منذ أقدم حضاراته حتى سنة ۱۹۷۱*، جداول للنشر و التوزیع، بیروت.
- السیابی، سالم بن حمود بن شامس (۱۴۱۵)، *عمان عبر التاريخ*، وزارة التراث والثقافة بسلطنة عمان.
- سیوری، راجر (۱۳۶۶)، *ایران عصر صفوی*، کامبیز عزیزی، تهران، سحر.
- شاردن، جان (۱۳۴۹)، *سیاحت نامه شاردن*، محمد عباسی، تهران، امیرکبیر.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، اقبال یغمایی، تهران، توس.
- شاکر، محمود (۲۰۰۰)، *التاريخ الاسلامی، العهد العثماني*، بیروت، المكتبة الاسلامی.
- شهاب، فواد، الرمجی، عبدالطیف (۱۴۱۴)، *قیام دوله البوسعیدی، الاسباب و النتائج*، المورخ العربی، عدد ۴۹.
- شهیدی، جعفر (۱۳۶۷)، *تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان*، مرکز نشر دانشگاهی.
- شوقی، العطاءالله الجمل (۱۴۰۸)، *الصراع العربی البرتغالی فی محیط الهندی*، ابحاث ندوه الاستعمار البرتغالی، راس الخیمه اماره متحده العربی.
- ضیف، شوقی (۱۹۶۰)، *العصر الجاهلی*، دارالمعارف، القا.
- طاهری شهاب، محمد (۱۳۴۸)، *سفارت دری افندی از طرف سلطان محمدخان غازی بدریارشاه سلطان حسین صفوی*، وحید، سال ۶، ش ۷، تیر.
- العانی، عبدالرحمن عبدالکریم (۱۹۷۸)، *دورالعمانیین فی الملاحه و التجاره الاسلامیه حتی القرن الرابع الهجری*، عمان.

- العبدانی، حمید بن محمد بن رزیک (۱۹۸۴)، *الشعاع الشائع باللمعان فی ذکر أئمة عمان*، مسقط، وزاره التراث و الثقافه.
- عبیدلی، احمد یوسف (۱۴۰۱)، *الامام ناصر بن مرتشد الیعربی و تحریر عمان من البرتغالیین*، تاریخ العرب و العالم، ۲۶ صفر ۱۴۰۱، دسامبر ۱۹۸۰.
- عمر فوزی، فاروق (۱۹۷۷)، *ملاخ من التاريخ. حركة الخوارج الاباضیه كما تكشفها مخطوطه الاكوزی، المورخ عربی، العدد ۲.*
- العیدروس، محمد (۱۹۹۸)، *تاریخ الخلیج العربی (فارسی)*، المعاصر و الحدیث، عین الدراسات و البحوث الانسانیه و الاجتماعیه، الاهرام، ط ۲.
- _____ (۲۰۰۰) *الحرب الالهیه العمانیه ۱۷۵۳-۱۷۱۸*، مجله تاریخ العربی، عدد ۱۳.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۲)، *سیاست خارجی ایران در دوره صفویه*، تهران، حبیبی.
- _____ (۱۳۵۲)، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران، دانشگاه تهران.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱)، *اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان*، ۱۵-۱۷۱۲ میلادی، ابوالقاسم سری، تهران، توس.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، *سفرنامه*. غلامرضا سمعی، تهران، نشر نو.
- قاسم، جمال زکریا (۱۹۷۵)، *الاصول التاريخیه للعلاقات العربیه الافرقیه*، معهد البحوث و الدراسات العربیه، القاهره.
- القاسمی، سلطان بن محمد (۱۹۸۹)، *تقسیم الامبراطوریه العمانیه*، مؤسسه البیان، دبی.
- قحطانی، عبدالقادر حمود (۱۴۲۰)، *التطورات الداخليه فی عمان فی عهد الامام احمد بن سعید البوسعیدی (۱۷۳۸-۱۷۰۰)*، دراسات الخلیج و الجزیره العربیه، ذولحجه، محرم، صفر، العدد ۹۳.
- کروسینسکی (۱۳۶۳)، *سفرنامه کروسینسکی*، یادداشتهای کشیش لهستانی عصر صفوی، ترجمه عبدالرزاق دنلی، به اهتمام مریم میراحمدی، تهران، توس.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، *سفرنامه کمپفر*، کیکاوس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
- لکهارت، لارنس (۱۳۶۸)، *انقراض سلسله صفویه و ایام استیلائی افغانه در ایران*، مصطفی عماد قلی، تهران، مروارید.



- مالکوم، جان (۱۳۶۲)، *تاریخ ایران*، میرزا اسماعیل حیرت، به اهتمام مرتضی سیفی تفرشی و ابراهیم زندپور، تهران، فرهنگسرا و یساولی.
- محمد ابراهیم بن زین العابدین نصیری (۱۳۷۳)، *دستور شهرداریان*، به اهتمام محمد نادر نصیری مقدم، تهران، موقوفات محمود افشار.
- محمد شفیع طهرانی (۱۳۸۳)، *مرآت واردات، تاریخ سقوط صفویان، پیامدهای آن و فرمانروایی ملک محمود سیستانی*، به اهتمام منصور صفت گل، تهران، میراث مکتوب.
- محمد مرسی، عبدالله (۱۴۱۴)، *بحوث التاريخ الحديث و المعاصر: دولة اليعاربة فی الوثائق والهولنديه*، المورخ العربی، العدد ۴۷.
- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل (۱۳۶۲)، *مجمع التواریخ در تاریخ انقراض صفویه و وقایع بعد از آن تا سال ۱۲۰۷ هجری*، به اهتمام عباس اقبال، تهران، سنائی و طهوری.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۹۱۳)، *نزهة القلوب*، به اهتمام گی لسترنج، لیدن هلند، انتشارات بریل.
- مشکور، محمد جواد (۱۳۷۲)، *فرهنگ فرق اسلامی*، بنیا دپژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- معمر، علی یحیی (۱۳۷۰)، «*اباضیه یکی از مذاهب میانه روی اسلامی*»، حمید رضا شیخی، مشکوة، ش ۳۳، زمستان.
- میر احمدی، مریم (۱۳۷۱)، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در دوره صفوی*، تهران، امیرکبیر.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۷)، *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه*، تهران، سمت.
- نوایی، عبدالحسین، غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۱)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه*، تهران، سمت.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰)، *تاریخ روضه‌الصفای ناصری به انضمام تاریخ روضه‌الصفای میرخواند*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر.
- وزارة التعليم العالی (۲۰۰۹)، *الاقتصاد العماني، سلطنة عمان*، وزارة التعليم العالی، المديرية العامة لكلیات العلوم التطبيقية.
- ویلسن، آرنولد (۱۳۴۸)، *خلیج فارس*، محمد سعیدی، تهران، ترجمه و نشر کتاب.

– یارشاطر، احسان (۱۳۵۵)، *دانشنامه ایران و اسلام، ذیل ابا بن بلیلی*، تهران، ترجمه و نشر کتاب.

منابع لاتین

- Risso, Patricia, (1986), *Oman and Muscat, an Early Modern history*, Croom Helm Ltd, London.
- Staples, Eric, (2011), *The maritime history of Oman, pride*, NO2010-2011.
- Wilkinson, John Craven, (2009), *The imamate tradition of Oman*, Cambridge middle east Library.
- Wilkinson, john craven, (2011), *Ibadism: origins and early development in oman. Oxford*.
- bhacker, m. reda, (2002), *Trade and empire in muscat and zanzibar*, Routledge.
- Bierschenk, Thomas, (1988), *Religion and political structure. remarks on ibadism in oman and algeria*, stdia islamica, No 68.
- easy-vine, paula, (ed), (1995), *Oman in history*, London, immel publishers.
- Eickelman, dale, (1980), Religious knowledge in inner Oman, *Journal of omani studies*, vol vl.
- Ingrams, William Harold W. H. (1931), *Zanzibar Its History and Its People*, London, hf and G, Wither by Publisher.
- Wilkinson, John Craven, (2009), *The origins of the Omani state, in the Arabian peninsula: society and politics*, Derek hopwod (ed), London, George allen and unwin.